




Wa Ashraḳat al-Arḁ Bi-Nūr Rabbihā (Q 39: 69): A Critical Analysis on Sunni Qurʾān Commentaries

Samad Behruz 

Assistant Professor, Department of Islamic Theology,
Faculty of Islamic Theology, Tabriz University,
Tabriz, Iran (corresponding author: sa_behrouz@yahoo.com).

Sayyed Ahsan Hoseyni 

PhD student of *Qurʾān* and Hadith Sciences, University of Religions and Denominations,
Tehran, Iran (Email: d.hosaini@gmail.com).

Emran ʿAbbaspur 

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology,
Tabriz University, Tabriz, Iran (E-mail: e.abbaspur@gmail.com).

Abstract

In various verses of the *Qurʾān*, including verse 69 of Sura Al-Zumar, light is mentioned: “And the earth will shine with the light of its Lord”. Although the apparent meaning of the word *light* is clear, a closer examination of the Quranic verses adds to its ambiguity. This study aims to clarify the meaning of this word in its Quranic usage in Surah Al-Zumar through an analytical-descriptive method, considering the views of Sunni commentators. Three well-known and four less-known views have been proposed by these commentators. The well-known views include: the manifestation of God for judging people with justice and truth, the illumination of the earth with a light other than that of the sun and moon, and the manifestation of the truth and the inner reality of deeds on the Day of Judgment. The less-known views include: the light of God's power, the light of the believers' hearts, the light of God's shin, and the illumination of the human soul by the light of God. This study analyzes and evaluates these views and explains the view that seems more consistent with the context of verse 69 of Surah Az-Zumar, the context of the preceding and following verses in Surah Al-Zumar, and the evidence found in other Quranic verses.

Keywords: Q 39: 69, light, Illumination of the Earth, Sunni commentators.

Promotional article


Received: 25/ 6/ 2024, accepted: 29/ 8/ 2024, and published: 29/ 8/ 2024, Pages: 273-300.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 doi: 10.22034/ naghdeara.2024.461290.1215

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا (زمر / ۶۹):

ارزیابی دیدگاه مفسران اهل سنت

صمد بهروز ^{ID}

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تبریز،
تبریز، ایران (نویسنده مسئول: ایمیل: sa_behrouz@yahoo.com).

سید احسن حسینی ^{ID}

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه ادیان و مذاهب،
تهران، ایران (ایمیل: d.hosaini@gmail.com).

عمران عباسپور ^{ID}

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه تبریز،
تبریز، ایران (ایمیل: e.abbaspur@gmail.com).

چکیده

در آیات مختلفی از قرآن کریم، از جمله در آیه ۶۹ سوره زمر از نور سخن به میان آمده است «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» است. با این‌که در ظاهر معنای کلمه نور روشن است، ولی دقت در آیات قرآن بر ابهام آن می‌افزاید. این مطالعه به دنبال روشن کردن معنای این کلمه در کاربرد قرآنی آن در سوره زمر به روش تحلیلی - توصیفی با توجه به دیدگاه اهل سنت است. از سوی مفسران یادشده سه دیدگاه مشهور و چهار دیدگاه غیر مشهور در این باره مطرح شده که دیدگاه‌های مشهور شامل تجلی خداوند برای داوری بین مردم به عدالت و حق و برهان، روشن شدن زمین به نوری غیر از نور خورشید و ماه و تجلی حقیقت و باطن اعمال در روز قیامت است و دیدگاه‌های غیر مشهور شامل نور قدرت پروردگار، نور قلب‌های مؤمنان، نور ساق پروردگار و نورانی شدن زمین نفس انسان به نور پروردگار است. در این مطالعه دیدگاه‌های یادشده، تحلیل و مورد ارزیابی قرار گرفته و دیدگاهی که با سیاق جملات آیه ۶۹ زمر، سیاق آیات قبل و بعد از آیه محل بحث در سوره زمر و قرائن موجود در آیات دیگر قرآن سازگارتر به نظر می‌رسد، تبیین گردیده است.

کلیدواژه‌ها: زمر / ۶۹، نور، اشراق زمین، مفسران اهل سنت.

مقاله ترویجی

دریافت: ۱۴۰۳/۴/۵ش، پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۸ش، نشر: ۱۴۰۳/۶/۸ش، صفحه ۲۷۳ تا ۳۰۰.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

doi: 10.22034/naghdeara.2024.461290.1215

درآمد

از جمله واژگان پرپسامد در *قرآن* واژه نور است که در ۲۰ سوره *قرآن* و در ۳۳ آیه ۴۳ مرتبه تکرار شده و معانی مختلفی از آن - از قبیل مطلق نور و روشنایی، ایمان، *قرآن*، آیات الهی، دین خدا، و وصفی از اوصاف الهی - اراده شده است. در تفسیر این واژه دیدگاه‌های مختلفی از سوی ارباب لغت و مفسران مطرح شده است. از جمله این آیات، آیه ۶۹ سوره زمر است که در آن اشراق و روشن شدن زمین در قیامت به خدا نسبت داده شده است («وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»). در این مطالعه مراد از انتساب نور به پروردگار و روشن شدن زمین به واسطه نور رب بررسی گردیده و دیدگاه‌های مفسران اهل سنت در این باره مورد ارزیابی قرار گرفته و در نهایت دیدگاهی که قرائن و شواهد قرآنی آن را بیش‌تر تأیید می‌کند تبیین می‌گردد.

طرح مسئله

با این‌که واژه نور از ظهور بالایی برخوردار است؛ ولی کاربرد آن در ساختار ویژه قرآنی بر ابهام آن افزوده است. به همین خاطر درباره تفسیر آن در آیات مختلف *قرآن* دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است و از همین رو معنای این واژه باید با توجه به قرائن مختلف آن واکاوی شود تا مراد جدی خدا از آن کشف شود. یکی از آیات *قرآن* کریم که این واژه در آن به کار برده شده، آیه ۶۹ سوره زمر با عبارت («وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا») است. مفسران اهل سنت دیدگاه‌های مختلفی در بیان مراد از اشراق و روشن شدن زمین به واسطه نور رب در آیه یادشده مطرح کرده‌اند.

با توجه به تعدد معانی نور (حقیقی و مجازی) در این مطالعه به دنبال تحلیل، مقایسه و ارزیابی این دیدگاه‌ها و تبیین دیدگاه برگزیده و دلایل آن، با روش توصیفی - تحلیلی هستیم. این دیدگاه‌ها در برخی موارد نزدیک به هم و قابل جمع است و در مواردی نیز کاملاً متمایز به نظر می‌رسد. با توجه به اختلاف نظرهای مفسران اهل سنت و برداشت‌های متفاوت آنان از عبارت یادشده و با لحاظ این‌که در این زمینه تحقیق مستقلی که منجر به کشف معنای واقعی عبارت یادشده باشد به عمل نیامده، انجام مطالعه‌ای مستقل در این باره ضروری به نظر می‌رسد؛ باشد که از این طریق دیدگاه‌های مختلف تحلیل و مورد ارزیابی قرارگیرد و در نهایت دیدگاهی که به

نظر نگارنده، با قرائن سیاقی و غیرسیاقی و شواهد موجود در آیات دیگر **قرآن** بیش تر سازگارتر است تبیین گردد.

این مفسران در برخی از این دیدگاه‌ها با مفسران شیعه مشترک هستند. با این حال، با توجه به این نکته که برخی دیدگاه‌های تفسیری آنها به خاطر اختلاف مبانی آنها با مفسران شیعه مانند قائل بودن برخی از این مفسران به تشبیه و تجسیم درباره خداوند، با مفسران شیعه متفاوت است و از سوی دیگر مفسران شیعه، دیدگاه‌هایی درباره این آیه دارند که به خاطر مبانی خاص آنها در تفسیر مانند اعتقاد به بطن آیه و ...، با دیدگاه مفسران اهل سنت متفاوت است، از همین رو دیدگاه‌های مفسران اهل سنت به صورت مجزا تحلیل و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. شایان توجه است که ارزیابی دیدگاه‌های مفسران شیعه در این باره نیز مجال دیگری می‌طلبد که در مطالعه مستقلی باید مورد بررسی قرارگیرد.

این مطالعه بنا دارد به این سؤال‌ها پاسخ دهد که مفسران اهل سنت چه دیدگاه‌هایی در تبیین مراد از روشن شدن زمین به نور رب مطرح کرده‌اند و این دیدگاه‌ها چگونه ارزیابی می‌شود و چه نقدهایی احیاناً بر آنها وارد است و کدامیک از آن دیدگاه‌های تفسیری با قرائن و شواهد قرآنی بیش تر سازگارتر است.

در مورد مفهوم این واژه که از واژگان کلیدی در آیه محل بحث است مطالعات پراکنده‌ای در دوران معاصر صورت گرفته و این واژه از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در برخی از این مطالعات واژه نور در آیه ۳۵ سوره نور از دیدگاه مفسران، متکلمان، محدثان و عارفان مورد بررسی قرار گرفته و به این نتیجه منتهی شده که مراد از نور بودن خدا همان هدایت‌گری او است (یوسف‌پور و پروین، «مفهوم‌شناسی نور بودن خداوند با تکیه بر روایات تفسیری فریقین»، ۵۱-۷۶). در این مقاله تنها اشاره‌ای گذرا به آیه ۶۹ سوره زمر شده و بحث تحقیقی خاصی در این باره انجام نیافته است. هم‌چنین در تحقیق مشابهی واژه نور در آیات **قرآن** بررسی شده و دیدگاه مفسران در این باره با دیدگاه فلاسفه و عرفا مورد مقایسه قرار گرفته است (فتح‌اللهی و بغدادی، «مفهوم نور در **قرآن**، برهان، عرفان»، ۱۵۷-۱۷۶).

در تحقیق مشابه دیگر مفهوم عرفانی نور و ظلّ در **قرآن** و سنت، با محور قراردادن آیه ۳۵

سوره نور و با نظر بر روایتی از امام حسین (ع) مورد بررسی قرار گرفته و در اثنای بحث به آیه ۶۹ زمر هم اشاره شده، ولی بحث تفصیلی خاصی درباره آن صورت نگرفته است (مقدادیان و شمس، «مفهوم عرفانی نور و ظل در قرآن و سنت»، ۳۹-۵۹). در برخی دیگر از مطالعات مفهوم واژه نور و ظلمت با استفاده از دانش وجوه و نظائر مطالعه، و دیدگاه مفسران درباره این دو واژه بررسی شده است (اسعدی سامانی، *مفهوم‌شناسی نور و ظلمت از دیدگاه قرآن*، سرتاسر کتاب).

در برخی مطالعات دیگر به استعاره مفهومی نور در قرآن کریم پرداخته شده و استعاره این واژه برای هدایت در قرآن مورد بررسی قرار گرفته و در ضمن آن مصادیق دیگر آن — از قبیل قرآن، پیامبر (ص)، اسلام و علم — بررسی شده است (براتی، «بررسی استعاره مفهومی نور در قرآن کریم با روی‌کرد شناختی»، ۳۹-۵۹). هم‌چنین در تحقیق مشابهی دیدگاه‌های مفسران متقدم و متأخر در تفسیر واژه نور و انتساب آن به خداوند و مجازانگاری در تفسیر این واژه بررسی شده است (واعظی، «بازخوانی مفهوم نور در قرآن کریم»، ۱۸۷-۲۱۸).

با این بیان درباره مفهوم نور در قرآن مطالعات زیادی صورت گرفته است. باین‌حال درباره روشن شدن زمین به نور رب که با تعبیر «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» در آیه ۶۹ سوره زمر به آن اشاره می‌شود، و این‌که مراد از چنین اشراقی چیست مطالعه مستقلی صورت نگرفته است. البته، عمده مفسران، از متقدمین تا متأخرین و اعم از شیعه و اهل سنت، در کنار تفسیر آیات دیگر، این آیه را نیز تفسیر نموده‌اند. برخی مفسران صرفاً به ترجمه تحت‌اللفظی عبارت بسنده کرده، و برخی دیگر مفصل‌تر درباره آن بحث کرده، و دیدگاه‌های مختلفی را در تبیین مراد از آن بیان نموده‌اند. باین‌حال مطالعه مستقلی برای آن‌که دیدگاه‌های تفسیری درباره آیه ارزیابی شود صورت نگرفته است.

۱. مفهوم نور و اشراق

قبل از ورود به بحث اصلی مناسب است به بحث از مفهوم واژگانی که دخیل در موضوع بحث اند پرداخته شود.

۱-۱) مفهوم لغوی و کاربردهای قرآنی نور

واژه نور در ۲۰ سوره قرآن، ۴۳ مرتبه و در ۳۳ آیه قرآن تکرار شده (عبدالباقی، المعجم المفهرس، ۷۲۵)، و در معانی مختلفی از قبیل مطلق روشنایی (برای نمونه، بنگرید به: انعام/ ۱؛ یونس/ ۵)، قرآن (بنگرید به: نساء/ ۱۷۴؛ مائده/ ۱۵)، مطلق آیات و احکام الهی (مائده/ ۴۴، ۴۶؛ انعام/ ۹۱)، ایمان (بقره/ ۲۵۷؛ مائده/ ۱۶ و...)، دین خدا (توبه/ ۳۶؛ صف/ ۸) و هم‌چون وصفی از اوصاف الهی (نور/ ۳۵؛ زمر/ ۶۹) به‌کاربرده شده‌است. از میان این آیات فقط در دو مورد (نور/ ۳۵؛ زمر/ ۶۹) این واژه به‌عنوان یکی از اسامی یا اوصاف الهی بیان شده‌است؛ چنان‌که در آیه ۳۵ سوره نور خود خدا به‌عنوان نور معرفی شده، و در آیه ۶۹ سوره زمر نور داشتن به‌مثابه وصفی از اوصاف الهی به خدا نسبت داده شده‌است.

آن‌چه نخست از کلمه نور فهمیده می‌شود نورهای حسی و مادی است که منشأشان خورشید، ماه، چراغ‌ها و اجسام منور دیگری است که روشنایی می‌بخشند. با این حال مفهوم نور در قرآن، به ویژه در آیه ۶۹ سوره زمر، فراتر از این معانی است. در برخی قاموس‌ها نور، از اسماء و صفات الهی دانسته‌شده و آن را به چیزی که خود، ظاهر، و ظاهرکننده هر چیزی است ترجمه کرده‌اند. نیز، خداوند را به‌خاطر برخورداری از این صفت هادی اهل آسمان‌ها و زمین دانسته‌اند (ابن منظور، لسان‌العرب، ۱۴/ ۳۲۱؛ ابن عطیه، المحرر الوجیز، ۳/ ۱۰۶؛ طریحی، مجمع‌البحرین، ۱/ ۲۷۲). از میان این دیدگاه‌ها دیدگاه راغب اصفهانی شایان توجه است. وی کلمه نور را به معنای روشنایی منتشرشده‌ای می‌داند که به دیدگان برای دیدن و درک کمک می‌کند و بر دو نوع دنیوی و اخروی است؛ نور دنیوی نیز خود بر دو نوع است؛ نور الهی یا معنوی — مانند نور عقل و نور قرآن، و نور محسوس از اجسام نورانی مانند خورشید، ماه، و ستارگان.

وی با استناد به برخی آیات قرآن کریم (برای نمونه، بنگرید به: یونس/ ۵) کلمه نور در آیه ۶۹ سوره زمر را نور محسوس می‌داند و نور اخروی را که مختص به عالم آخرت است به آیات ۱۲-۱۳ سوره حدید و آیه ۸ سوره تحریم استناد می‌دهد (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۸۲۷). وی علت توصیف خداوند در آیه ۳۵ نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» به نور

را روشنایی‌بخش بودن ذات مقدس او و از جهت مبالغه در فعل او می‌داند (همان، ۸۲۷). بنابراین تعاریف یادشده، نور دارای مفهومی حقیقی و بدیهی و بسیط است که تمام نورها را شامل می‌شود و کیفیتِ ظاهرٌ فی نفسِه و مظهرٌ لِغیره دارد.

۲-۱) الفاظ هم‌نشین و جانشین نور در قرآن

برخی عالمان مسلمان برای کلمه نور قائل به مترادفات یا هم‌نشین‌هایی شده‌اند. بیش‌ترین کلمات، اگرچه زیر مجموعه‌ای از معنای روشنایی را به ذهن القا می‌کنند درحقیقت با جامعیت و کلیت معنایی از کلمه نور فاصله دارند. با تتبع در معاجم لغت عربی روشن می‌گردد که همه معانی یادشده جنبه حسی برای روشنایی دارند، کلمه «أَشْرَقَتْ» برای روشنایی خورشید و به خصوص به هنگام طلوع آن در آغاز روز به کار برده می‌شود، و با «أَضَاءَتْ» و دیگر کلمات هم‌سو که برای مطلق روشنایی است متفاوت است.

با وجود این‌که نور مفهومی بدیهی، بسیط و عام دارد که تمام نورها را شامل می‌شود، دیگر واژه‌های هم‌سو با نور قابل انطباق با نور از حیث اشتمال بر هر دو معنای حسی و معنوی نیست. لغت‌شناسان در بیان مترادفات کلمه نور، کلمات ضوء و ضیاء، سراج، مشتقات سرف و اشراق را به‌عنوان جانشین آن واژه آورده‌اند. باین حال، کلمه نور اعم و اخص از این کلمات هم‌سو است و هیچ‌یک از واژه‌های یادشده معنای جامع نور و بخصوص نور الهی را نمی‌رساند و اصولاً توسعه و تعدد معنایی و قائل‌شدن به مترادفات برای کلمه نور با ساختار بلاغی و محتوایی قرآن کریم سازگاری ندارد؛ زیرا نور از اسماء و صفات الهی است که ذات خدا به آن متصف گردیده‌است. در صورت پذیرش فرض ترادف کلمات برای کلمه نور علی‌القاعده می‌بایست این دسته از کلمات را به‌عنوان توصیفی از اسماء و صفات خدا پذیرا باشیم؛ حال آن‌که قرآن کریم به آن تصریح ندارد و چنین برداشت‌هایی با معنای کلمه نور هم‌خوانی ندارد و ناسازگار است و به‌نوعی تصرف نابجا در معانی و الفاظ قرآن کریم به‌شمار می‌رود.

با پذیرش این مبنا که هر کلمه‌ای در قرآن در دقیق‌ترین معنای خود به کار رفته است می‌توانیم بگوییم گرچه کلمات ضوء، ضیاء، سراج و اشراق مترادف نور هستند ولی از جهت معنایی تفاوت‌های زیادی با نور دارند. به نور به علت شدت انتشار و قابل‌حس بودن با چشم

ضیاء گفته می‌شود (طوسی، *التبیان*، ۵ / ۳۴۰). گاهی نیز برای اشاره به ذاتی بودن نور از کلمه سراج استفاده می‌شود (طباطبایی، *المیزان*، ۲۰ / ۳۲). برای اشاره به روشنایی به صورتی که بعد از آن دیگر هیچ چیزی بر بینندگان مخفی نخواهد ماند هم از کلمه اشراق استفاده می‌شود (همان، ۱۷ / ۴۴۷). با توجه به این تفاوت‌های معنایی است که در *قرآن کریم* نور درباره خدا کاربرد دارد؛ ولی بقیه مترادف‌های آن در *قرآن* چنین کاربردی ندارند.

در *قرآن کریم* و سخنان معصومان (ع)، از حقایقی سخن به میان آمده است که در عین حال که معانی عرفی حسی دارند قابل توجیه با این معانی نیستند. مثلاً وقتی از لوح، قلم، وجه، ید، عرش، کرسی، قلب، تکلم خدا با بندگان، نور خدا و ... سخن به میان آمده است این الفاظ با معانی حسی این جهانی، قابل توجیه نیستند و در عین حال توجیه کردن این مشکل با قول به مجازگویی *قرآن* — با توجه به این که فصیح‌ترین کلام است — سازگاری ندارد. توجیه درست برای معانی کلمات یاد شده این است که گفته شود این کلمات برای روح واحد معانی جعل می‌شوند؛ مثلاً زمانی لفظ چراغ، در چراغ‌های پیه‌سوز منحصر شده بود؛ ولی به مرور زمان با اختراع چراغ‌های نفتی این لفظ درباره چراغ‌های نفتی هم به کار رفت. بار دیگر با اختراع چراغ‌های الکتریکی همین لفظ درباره چراغ‌های برقی هم به کار رفت. در زمان‌های آینده اگر چراغی با فن‌آوری بالاتری اختراع شود این لفظ درباره آن هم به کار خواهد رفت؛ چراکه در این کار نوع فن‌آوری مهم نیست؛ بل که هر چیزی که بتواند نوری ایجاد کند درباره آن هم این لفظ به کار خواهد رفت. هر کدام از این موارد از مصادیق چراغ است (بنگرید به: طباطبایی، *المیزان*، ۲ / ۱۰).

اگر این نوع کاربرد درباره مصادیق این جهانی الفاظ امکان‌پذیر باشد درباره مفاهیم ماورایی الفاظ هم امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین اگر معتقد به جعل الفاظ برای روح معنا باشیم وقتی از پیامبر اکرم (ص) به عنوان سراج یاد می‌شود توجیه آن با روح معنا و یافتن معنای حقیقی از آن به راحتی قابل فهم خواهد بود. فهم درست این نکته کلید فهم اسرار قرآنی و راه‌هایی از تفسیر مادی بسیاری از الفاظ است؛ چرا که تعلیم و خبر دادن در عالم عقول و عالم اسماء و صفات، غیر آن چیزی است که در دنیا دیده می‌شود (بنگرید به: صدرالدین شیرازی، *مفاتیح الغیب*،

۴۰-۴۱؛ فیض کاشانی، *الصفافی*، ۱ / ۱۹؛ نیز، برای توضیح بیش‌تر در این باره، بنگرید به: عباسپور، *مبانی تفسیر عرفانی...*، ۱۳۰-۱۴۰).

به باور برخی مفسران مشکل اصلی فهم بسیاری از الفاظ این است که انس ذهنی و انحصار در محدوده این جهان مادی، موجب می‌شود تا همه خصوصیات عالم مادی را بر الفاظ بار کنیم و نتیجه آن، غفلت از معانی عالی آن جهانی است (صدرالدین شیرازی، *مفاتیح الغیب*، ۹۲). اصولاً انتخاب الفاظ *قرآن کریم*، آن قدر ظریف و سنجیده و به‌سامان است که نمی‌توان هیچ کلمه یا عبارت قرآنی را برای جایگزینی آنها تعیین کرد؛ زیرا با جنبه‌های اعجاز بیانی *قرآن کریم* در تضاد بوده و به فصاحت و بلاغت آن، آسیب معنایی جدی وارد می‌سازد. با دقت در واژه‌های هم‌نشین نور روشن می‌شود برای برخورداری از نور نیاز به مقدمات، راهکار است و این برخورداری، نتیجه‌ای را به دنبال خواهد داشت. افعال و صفات انسان مقدمات این فرایند و ارتباط با خدا و انسان‌های برگزیده الهی و حقایق مادی و معنوی، راهکار رسیدن به نورانیت و رستگاری نتیجه آن است. به‌عنوان نمونه در آیه ۱۵۷ سوره اعراف، تبعیت از پیامبر اکرم (ص)، امر به معروف و نهی از منکر، قائل شدن به حلال‌های الهی و استفاده از آنها و دوری از خبائث و ... مقدمه برخورداری از نور ویژه الهی معرفی می‌شود. در آیه ۵ سوره یونس هم‌نشینی نور با حقایقی مثل خورشید و ماه و تفصیل آیات و تعداد ماه‌ها و سال‌ها نشان دهنده این است که مطالعه در مخلوقات الهی یکی از راهکارهای برخورداری از نور است. همچنین آیه ۱۶ سوره رعد، توجه به ربوبیت و توحید خدا به راهکار دیگری اشاره دارد و ... در نهایت در آیه ۱۲ سوره حدید، هم‌نشینی نور ما را به این نتیجه رهنمون می‌شود که وقتی انسان از آیات و نشانه‌های الهی استفاده می‌کند، در نهایت از نورانیتی برخوردار می‌شود که نتیجه آن رسیدن به رستگاری است.

۳-۱) مفهوم اشراق زمین به نور رب

کلمه «اشراق» به معنای برآمدن خورشید و تاییدن آن به هنگام چاشتگاه است به صورتی که برای همگان به طور کامل روشن شود (ابن منظور، *لسان‌العرب*، ۱ / ۷۵؛ راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ۱۲۷) که مشتقات آن در *قرآن کریم* به صورت اسمی (ص / ۵۵) و

فعلی (زمر / ۶۹) آمده است. مصطفوی اشراق را، طلوع همراه با درخشیدن و روشنایی می‌داند و درخشش را گاه از خود شیئی می‌داند، مانند خورشید، و گاه منعکس کننده روشنایی برای غیر می‌داند (مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن*، ۱ / ۹۷).

دو کلمه اشراقِ ارض و نورِ ربّ، نقش کلیدی در تبیین معنا و مراد حاصل از آیه دارند و دارای معنای آشکاری هستند و آن، روشن شدن زمین در روز قیامت به نوری که مختص به پروردگار است. اما ترکیبی که در عبارت قرآنی آیه ۶۹ سوره زمر آمده است (آمدن فعل اشراق به صورت معلوم)، دلالت بر این معنا دارد که فاعل (روشنایی‌دهنده زمین) در صحرای محشر، خداوند متعال است. از طرفی اضافه «نور» به «ربّ» نشان از اختصاص آن منبع روشنایی به خداوند متعال دارد و این‌که این نور، از روشنایی دیگر منبعث نیست و این، نشان از عظمت آن نور دارد. هدف از ذکر کلمه ارض (زمین)، اهل زمین است که بیانگر توصیف حال و هوای حاکم بر مردم روی زمین در آن روز خاص است؛ به گونه‌ای که مردم در آن روز عظیم، بی‌نیاز از نور و روشنایی ماه و خورشید و امثال مادی آن هستند؛ زیرا به مانند این دنیا سیر مادی و مکانی، آن گونه که معهود بوده، اتفاق نمی‌افتد تا نیازی به نور این جهانی باشد و تنها نوری که روشنایی‌بخش همه چیز است، همان نور پروردگار است.

۲. دیدگاه مفسران اهل سنت در مفهوم اشراق ارض به نور رب

مفسران اهل سنت در بیان مفهوم اشراق و روشن شدن زمین به واسطه نور ربّ، در عبارت قرآنی «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» در آیه ۶۹ سوره زمر، دیدگاه‌های تفسیری مختلفی بیان کرده‌اند. این دیدگاه‌ها در مواردی نزدیک به هم و قابل جمع بوده و در مواردی قابل جمع نبوده، کاملاً متمایز به نظر می‌رسد. تجلّی خداوند در روز قیامت برای داوری بین مردم به حق و عدل و برهان، روشن شدن زمین به نوری غیر از نور خورشید و ماه، تجلّی حقیقت و باطن اعمال در روز قیامت و برخی دیدگاه‌های دیگر، دیدگاه‌هایی است که مفسران اهل سنت در این باره مطرح کرده‌اند.

۲-۱) تجلّی خداوند در قیامت برای داوری به عدالت و حق و برهان

برخی مفسران اهل سنت در بیان مفهوم اشراق زمین به واسطه نور ربّ، در عبارت قرآنی

«وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» آن را به معنای تجلی خداوند در روز قیامت برای داوری بین مردم بر مبنای عدالت و حق و برهان می‌دانند. برخی از این مفسران صرفاً به تجلی خداوند در روز قیامت برای داوری در میان مردم اشاره کرده‌اند و برخی دیگر صرفاً به اقامه حق و برهان و عدالت در روز قیامت اشاره کرده‌اند و از تجلی خدا سخنی به میان نیاورده‌اند. از آنجایی که این دو دیدگاه در واقع به یک معنا و مفهوم برمی‌گردد، در اینجا به‌عنوان یک دیدگاه مطرح شده‌است.

از جمله مفسرانی که به موضوع تجلی خداوند در روز قیامت برای داوری میان مردم اشاره کرده‌است، ابن کثیر است. وی مراد از عبارت قرآنی «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» را روشن شدن زمین در آن روز، به هنگام تجلی حق تعالی برای داوری میان مردم می‌داند. وی هم‌چنین مراد از شهدا را در آیه ۶۹ زمر، شاهدانی از فرشتگان می‌داند که اعمال بندگان از خیر و شر را ثبت می‌کنند (ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ۱۱۸/۷). وی اضافه نور به رب را همانند آیه ۳۵ نور «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»، اضافه تعظیم می‌داند که نوعی تشریف برای مضاف است؛ چنان که در آیه «هَذِهِ نَافَةُ اللَّهِ لَكُمْ» (هود/۶۴) هم این‌گونه است و اضافه شدن «رب» به ضمیری که مرجعش «أرض» باشد، را شرافت بخشیدن به زمین می‌داند. وی موافق تفسیر واژه نور به عدل نیست؛ چون بر این باور است که خداوند متعال، خود، معیار حق و عدالت است (ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ۱۰۶/۷).

غالب مفسران اهل سنت در تفسیر آیه یادشده، همین دیدگاه را مطرح کرده‌اند (برای نمونه بنگرید به: طبری، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ۲۴/۲۲؛ ماوردی، *النکت و العیون*، ۱۵/۱۳۶؛ بغوی، *معالم التنزیل*، ۱۰۱/۴؛ قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۵/۲۸۱؛ آلوسی، *روح المعانی*، ۲۸۳/۱۲، ۲۴/۳۰). قرطبی در نقل قولی دیگر، مراد از نور را عدل پروردگار و روشن شدن زمین به عدل الهی و داوری در میان بندگان می‌داند و اصولاً عدالت را نور و روشنائی و ظلم را تاریکی می‌داند (قرطبی، *الجامع لاحکام القرآن*، ۱۵/۲۸۲-۲۸۳). البته برخی از مفسران اهل سنت ضمن اشاره به دیدگاه یادشده در تفسیر آیه (تجلی خداوند در قیامت برای داوری به عدالت)، سخن از نزول پروردگار بر کرسی، برای داوری در بین مردم به

میان آورده‌اند (میبدی، *کشف الاسرار*، ۱۸ / ۴۳۶؛ حقی، *روح البیان*، ۱۸ / ۱۴۰).

برخی دیگر از مفسران اهل سنت، مراد از کلمه نور در عبارت قرآنی «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» را عدل دانسته‌اند که برپایی آن، چهره زمین را در روز قیامت روشن می‌گرداند. در واقع این مفسران، نور را در این آیه، استعاره برای عدل گرفته‌اند. برخی دیگر از این مفسران، بر این باور هستند که مراد از اشراق و روشن شدن زمین به واسطه نور پروردگار، روشن شدن زمین به سبب اقامه حق و برهان برای سنجش اعمال خیر و شر است. این دو دیدگاه نیز، از لحاظ مفهوم، تا حدودی نزدیک به هم است و به یک دیدگاه برمی‌گردد، گرچه با عبارات متفاوت ایراد گردیده‌است.

زمخشری در عبارت «بنور ربها»، کلمه نور را استعاره برای حق و برهان گرفته و بر این باور است که این استعاره در مواردی از آیات قرآن کریم آمده که از جمله آن موارد، همین آیه محل بحث است. مطابق این تفسیر، معنای آیه، این است که زمین به خاطر آن حقی که در آن اقامه می‌شود و عدلی که در آن گسترده می‌گردد و میزان حقی که با آن، حسنات و سینات را می‌سنجد، نورانی می‌شود و همین که خداوند کلمه نور را به خود اختصاص داده و فرمود: «نور رب»، مراد از نور، همان حق و عدل است که خداوند زمین را با گستراندن آن زینت می‌دهد و موازین قسط را در آن برپا و بین اهل زمین به حق داوری می‌کند. وی مراد از کتاب را نامه اعمال و شهدا را کسانی از حافظان و برگزیدگان می‌داند که بر امت‌ها شهادت می‌دهند و به‌عنوان یک احتمال آنها را شهیدان در راه خدا بیان کرده‌است (زمخشری، *الکشاف*، ۱۴ / ۱۴۵).

مفسران زیادی از اهل سنت، تفسیری مشابه تفسیر بالا را ارائه کرده‌اند و مراد از نورانی شدن زمین در قیامت را، اقامه عدل الهی بین مخلوقات در صحرای محشر دانسته‌اند، گرچه برخی از این مفسران، دیدگاه‌های دیگر را نیز احتمال داده‌اند (برای نمونه بنگرید به: ثعلبی، *الکشف و البیان عن تفسیر القرآن*، ۱۸ / ۲۵۷)؛ ابوالفتوح رازی، *روض الجنان*، ۱۶ / ۳۵۰؛ فخر رازی، *التفسیر الکبیر*، ۲۷ / ۴۷۷؛ بیضاوی، *انوار التنزیل*، ۱۵ / ۴۹). ابوبکر حداد نیز مراد از

روشن شدن زمین به نور پروردگار را نورانی شدن به عدل پروردگار تفسیر می‌کند و بیان می‌دارد که عدل را نور می‌گویند؛ چنان‌که به پیامبر (ص) و قرآن، نور گفته می‌شود و بر این باور است که نور زمین به عدل است و نور دین به علم (حداد، التفسیر، ۵/ ۳۸۶).

۲-۲) نوری غیر از نور خورشید و ماه

برخی دیگر از مفسران اهل سنت، مراد از اشراق و روشن شدن زمین در روز قیامت، به واسطه نور پروردگار را آفریدن نوری بدون کمک گرفتن از اجرام آسمانی نورانی معهود، مثل خورشید و ماه دانسته‌اند و آن را برگرفته از منبعی می‌دانند که خود، منشأ تمام نورهای عالم است. واحدی (واحدی، الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، ۲/ ۹۳۹)، بیضاوی (بیضاوی، انوار التنزیل، ۵/ ۴۹)، قشیری (قشیری، لطایف الاشارات، ۳/ ۲۹۲)، ابن عاشور (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۲۴/ ۱۳۳) و آلوسی (آلوسی، روح المعانی، ۱۲/ ۲۸۲) از جمله مفسران اهل سنت هستند که چنین دیدگاهی را بیان کرده‌اند.

ابن عاشور بر این باور است که نور صحرای محشر، ذاتی بوده و از تاریکی‌ها خالص است و آن عالم، عالم انوار است و چیزی از تاریکی‌های اعمال، به آن نیامیزد، آن گونه که جهان زمینی، فی نفسه نورانی نیست؛ بل که روشنایی آن، برگرفته از تابیدن خورشید و ستارگانی است که بر روی زمین می‌درخشند (ابن عاشور، التحریر و التنویر، ۲۴/ ۱۳۳). آلوسی ضمن بیان این دیدگاه با توجه به وجود روایتی از ابن عباس، بیان می‌دارد که نسبت نور به پروردگار، مانند نسبت روح به خدا «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (ص/ ۷۲) و نسبت ناقة به خدا «نَاقَةُ اللَّهِ» (شمس/ ۱۳) است که از نوع اضافه تشریفی است (آلوسی، روح المعانی، ۱۲/ ۲۸۲). هم‌چنین حوری از دیگر مفسران اهل سنت، به‌عنوان یکی از احتمالات در تفسیر آیه، اضافه نور به پروردگار را اضافه تشریفی بیان کرده است (حوری، الاساس فی التفسیر، ۹/ ۴۹۰۰).

۳-۲) تجلی حقیقت و باطن اعمال در قیامت

دیدگاه تفسیری دیگری در بیان مراد از اشراق و روشن شدن زمین به واسطه نور رب در میان مفسران اهل سنت وجود دارد که بیانگر این معنا است که مراد از این عبارت، تجلی حقیقت و باطن اعمال در روز قیامت است؛ چرا که در آن روز بزرگ، تمامی مخلوقات الهی، اعمال خود

را از خیر و شر حاضر می‌بینند و قدرت دیدن اعمالی را که سال‌ها در این دنیای مادی پنهان مانده یا به فراموشی سپرده شده‌است، پیدا می‌کنند. به واسطه این نور، خفایا، باطن و حقیقت اعمال تجسم یافته و آشکار می‌گردد. تجسم اعمال به واسطه عظمت چنین نوری، در واقع حکایت از آشکار شدن حقایق امور و اعمال در روز قیامت دارد. عبدالرزاق کاشانی عبارت یادشده را این‌گونه تفسیر نموده و بیان می‌دارد: «هر کسی، آنچه را که پیش فرستاده، به وسیله نوری می‌داند و می‌بیند؛ چرا که اعمال خود را حاضر می‌بیند» (کاشانی، *تأویلات*، ۳/ ۵۶۲). وی منظور از آیه «و أشرقت الأرض بنور ربها» را یک نوع آگاهی حسی یا قلبی نسبت به اعمال می‌داند. وی در آثار مختلف خود نیز به تبیین تجسم اعمال در قیامت پرداخته‌است (همان، ۱/ ۳۰۷).

۲-۴) برخی دیدگاه‌های دیگر

در کنار دیدگاه‌های یادشده که دیدگاه‌های مشهور اهل سنت است، برخی دیدگاه‌های غیرمشهور نیز در تفسیر عبارت یادشده وجود دارد که برخی از مفسران اهل سنت آنها را مطرح کرده‌اند. یکی از این دیدگاه‌ها، دیدگاه تفسیری نور قدرت پروردگار است که ماوردی آن را به‌عنوان یک احتمال، در کنار احتمالات دیگر که در دیدگاه‌های پیشین به آن اشاره شد، مطرح کرده‌است (ماوردی، *النکت و العیون*، ۱۶/ ۱۳۶). مشابه همین این دیدگاه را ابن‌عبدالسلام مطرح کرده و بیان‌داشته که مراد از «نور رب»، عدالت پروردگار یا نور قدرت او است و البته در کنار آن، دیدگاه‌های دیگر را نیز مطرح کرده‌است (ابن‌عبدالسلام، *التفسیر*، ۲/ ۱۶۲).

از جمله دیدگاه‌های غیرمشهور اهل سنت، این است که مراد از اشراق زمین به نور رب، نورانی شدن قلب‌های مؤمنان، در روز قیامت، با نور توحید سیدشان، پیامبر اعظم (ص) و اقتدا به سنت آن حضرت است. این دیدگاه را تستری (*التفسیر*، ۱/ ۱۳۵) و حقی (*روح البیان*، ۱/ ۱۴۰) به‌عنوان یکی از احتمالات در کنار احتمالات دیگر تفسیری مطرح کرده‌اند.

دو دیدگاه غیرمشهور دیگر نیز در میان مفسران اهل سنت وجود دارد که یکی از آنها بیان‌گر آن است که مراد از نورانی شدن زمین به نور پروردگار، نورانی شدن زمین نفس انسان، به نور پروردگار است. این دیدگاه را کاشانی به‌عنوان یکی از احتمالات در تفسیر آیه مطرح

کرده است (کاشانی، *تأویلات*، ۲/ ۲۰۶). دیدگاه دیگر، این است که مراد از «نور ربّ» در آیه یادشده، نور ساق پروردگار است. مقاتل بن سلیمان این دیدگاه را مطرح کرده و برای اثبات درستی آن، به آیه «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» (قلم/ ۴۲) تمسک جسته است (مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، ۳/ ۶۸۸).

۳. ارزیابی دیدگاه مفسران اهل سنت در مفهوم اشراق ارض

در این قسمت به ارزیابی دیدگاه‌های مفسران اهل سنت در بیان مفهوم اشراق ارض به نور ربّ، پرداخته می‌شود که به طور کلی چهار دیدگاه عمده در این باره از سوی مفسران یادشده مطرح شده است.

۳-۱) دیدگاه تجلی خدا در قیامت برای داوری به عدالت و حق و برهان

اکثر مفسران اهل سنت، مراد از روشن شدن زمین به واسطه نور پروردگار را تجلی خداوند متعال در روز قیامت برای داوری بین مردم به عدالت و حق و برهان دانسته‌اند و می‌توان گفت تفسیر غالب در بین آنها همین دیدگاه است. برخی از این مفسران به عبارت تجلی خدا در روز قیامت برای داوری در بین مردم اشاره کرده‌اند و گروه دیگر نور را استعاره از عدل گرفته‌اند. بیش‌تر مفسران گروه دوم، به واژه عدل و برخی دیگر از آنها به واژه حق و برهان در بیان مراد از اشراق و روشن شدن زمین به نور ربّ اشاره کرده‌اند و می‌توان گفت تمامی این دیدگاه‌ها به یک دیدگاه بر می‌گردد.

دیدگاه مفسران یادشده از چند جهت قابل تأمل است؛ مفسران یادشده مراد از این تجلی را به صورت روشن بیان نکرده‌اند و در نهایت ابهام آیه برطرف نشده است. از سویی از عبارات برخی مفسران یادشده، مانند میدی و حقی که سخن از نزول پروردگار بر کرسی برای داوری بین مردم به میان آورده‌اند، بوی تجسیم و تشبیه خداوند متعال استشمام می‌شود، در حالی که خدای متعال، منزّه از این اوصاف بوده و طبق نظر امامیه و معتزله قابل تجسیم و تشبیه نیست و رؤیت خداوند متعال در این دنیا غیر ممکن بوده و در سرای آخرت، مراد از آن، همان خرسندی او از بندگان بهشتی‌اش است. از سوی دیگر این تفسیر از عبارت قرآنی «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» از آیه ۶۹ زمر، ناظر بر بخش دیگری از این آیه؛ یعنی عبارت قرآنی «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ

وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ» است و معنایی که از اشراق زمین به واسطه نور پروردگار ارائه می‌شود، تقریباً همان معنایی است که به این بخش از آیه مربوط می‌شود، در حالی که تفسیر یک بخش از آیه، به مفهوم بخش دیگر آن، درست به نظر نمی‌رسد و هر بخشی، معنا و مفهوم مستقل به خود و البته مرتبط به هم دارد و نمی‌توان گفت دو جمله مستقل که با دو نوع عبارت‌پردازی متفاوت ارائه شده و به طور طبیعی، هر عبارتی به منظور غرض خاصی بیان شده، یک معنا و مفهوم را می‌رساند، به ویژه این تصور، از کلام الهی که در اوج فصاحت است، خیلی بعید است.

این دیدگاه تفسیری، از جهت دیگر نیز قابل تأمل است و آن این‌که برخی از مفسران دیدگاه یادشده گفته‌اند در بسیاری از موارد کلمه نور در *قرآن*، برای حق و برهان و *قرآن* و پیامبر (ص) استعاره شده‌است. این مطلب خالی از اشکال نیست؛ زیرا در *قرآن* آیاتی وجود دارد که کلمه نور در آنها استعاره برای *قرآن* آمده‌است؛ مانند آیه «فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا» (تغابن/ ۸) و آیه «قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ» (مانده/ ۱۵). نیز در برخی از آیات کلمه «نور» استعاره برای پیامبر اعظم (ص) آمده‌است، مانند آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيَا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا» (احزاب/ ۴۵-۴۶). آیاتی که در آن نور استعاره برای برهان باشد نمی‌توان یافت.

هم‌چنین اکثر مفسران مراد از نور را عدل دانسته‌اند، اما برخی مفسران، واژگان حق و عدل را در تفسیر نور در آیه یادشده به‌کار برده‌اند. این دو واژه، گرچه در برخی موارد، يك مصداق پیدا می‌کنند، ولی دو مفهوم مستقل و مغایر باهم هستند و صرف این‌که نور در آیه‌ای از *قرآن*، استعاره برای حق آمده‌باشد، مستلزم آن نیست که مقصود از آن، عدالت باشد (راغب اصفهانی، *مفردات الفاظ القرآن*، ۵۵۱). ظاهراً زمخشری برای اثبات دیدگاه تفسیری خود که از کلمه نور، «عدالت» را اراده کرده‌است، متمسک به هر دو کلمه حق و عدل در تفسیر آیه شده و از مجموع آن‌دو و محتوای آیه، عدالت را نتیجه می‌گیرد و دیگر سخنی از حق به میان نمی‌آورد. در نهایت گرچه این دیدگاه با توجه به مفهوم و عبارات آیه، در تعبیر نور به عدالت، می‌تواند صحیح باشد، اما استعمال آن برای برهان غیرمتعارف به نظر می‌رسد. البته بر فرض که استعاره گرفتن نور برای عدالت صحیح باشد، لازمه‌اش آن نیست که نور در آیه یادشده نیز، به همان

معنای عدالت باشد، مگر آن‌که دلیلی برای آن، ارائه شود که از سوی مفسران یادشده، ارائه نشده است.

مبنای این دیدگاه، سخنان یکی از تابعان به نام قتاده است که روایتی بر این اساس از پیامبر اعظم (ص) نقل کرده به این مضمون که «خداوند میان پیامبران و امت‌هایشان به حق داوری می‌کند و گناه کسی بر دیگری حمل نمی‌شود و هر کسی در گرو اعمال خویش است» (سیوطی، *الدر المنثور*، ۱/ ۲۳۶)، اما از آنجایی که سلسله سند این روایت تا وی متصل است و به پیامبر (ص) نرسیده و تنها به یک تابعی ختم شده، چنین روایتی مقطوع بوده و فاقد اعتبار است.

۲-۳) دیدگاه «روشن شدن زمین به نوری غیر از نور خورشید و ماه»

دومین دیدگاهی که در تفاسیر اهل سنت در بیان مراد از روشن شدن زمین در روز قیامت به نور پروردگار، از سوی مفسران اهل سنت مشاهده می‌شود، این است که زمین در آن روز، به نوری غیر از نور خورشید و ماه روشن می‌شود. معتقدان به این دیدگاه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ برخی مثل ابن‌عاشور که نور محشر را ذاتی خود آن می‌دانند، اما قرینه یا دلیلی بر اثبات این نظر ارائه نکرده‌اند؛ بل که بر این باور هستند که ظهور این آیه و آیات دیگر *قرآن*، این است که صحرای محشر تاریک است و با ورود چیزی در این عالم، نورانی خواهد شد.

گروهی دیگر از این مفسران، افرادی هستند که بحثی درباره حقیقت این نور ارائه نکرده‌اند و مقصود از نور و مراد الهی از آیه را بیان نکرده‌اند و در واقع وارد بیان محتوا و مضمون آن نشده‌اند و صرفاً به معنای تحت‌اللفظی واژگان آیه یادشده بسنده کرده‌اند. بر اساس این دیدگاه، ابهام آیه برطرف نشده و مراد خداوند از عبارت «روشن شدن زمین به نور پروردگار» هم‌چنان مبهم باقی می‌ماند. واضح است که خداوند مقصود دیگری از این الفاظ دارد که در ورای این معنای ظاهری و لغوی واژه‌ها نهفته است. بنابر این تکیه بر این وجه، به تنهایی معنا و مفهوم محصل و روشنی از عبارت یادشده ارائه نمی‌کند.

۳-۳) دیدگاه‌های دیگر در بیان مراد از روشن شدن زمین به نور رب

در کنار دو دیدگاه مطرح شده که اکثریت قریب به اتفاق مفسران اهل سنت مطرح

کرده بودند و دیدگاه دیگری که به عنوان دیدگاه برگزیده بعد از این درباره آن بحث خواهد شد، دیدگاه‌های شاذ دیگری هم وجود دارد که صرفاً هر کدام از آنها را یکی دو نفر از مفسران اهل سنت مطرح کرده‌اند و می‌توان گفت دیدگاه شایع و رایج در میان این مفسران نیست. این دیدگاه را به چند دیدگاه فرعی می‌توان تقسیم کرد که عبارت است از روشن شدن زمین به نور قدرت پروردگار و ماوردی (ماوردی، *النکت والعیون*، ۱۶ / ۱۳۶) و ابن عبدالسلام (ابن عبدالسلام، *التفسیر*، ۲ / ۱۶۲) به آن اشاره کرده‌اند، نورانی شدن قلب‌های مؤمنان در روز قیامت با نور توحید پیامبر اعظم (ص) که تستری (تستری، *التفسیر*، ۱ / ۱۳۵) و حقی (*روح البیان*، ۸ / ۱۴۰) آن را مطرح کرده‌اند، نورانی شدن زمین نفس انسان به نور پروردگار که کاشانی (*تأویلات*، ۲ / ۲۰۶) آن را مطرح کرده‌است و نورانی شدن زمین در محشر به نور ساق پروردگار که مقاتل بن سلیمان (*التفسیر*، ۳ / ۶۸۸) مطرح کرده‌است.

در ارزیابی دیدگاه‌های یادشده لازم است به چند نکته اشاره شود: نکته اول این‌که این دیدگاه‌ها، صرفاً احتمالاتی است که مفسران یادشده یا به عنوان تنها احتمال تفسیری یا احتمالی در کنار احتمالات تفسیری دیگر مطرح کرده‌اند و هیچ قرینه و شاهدی محکم برای تأیید این دیدگاه‌های تفسیری ارائه نکرده‌اند و روشن است که تفسیر آیات *قرآن* بر معنایی خاص، به ویژه اگر معنای خلاف ظاهر باشد، بدون ارائه شواهد و قرائن چه بسا تفسیر به رأی باشد. آیات *قرآن* را نمی‌توان با ذوق و سلیقه و استحسان تفسیر کرد و الا تفسیر به رأی خواهد شد که در روایت نبوی به شدت نکوهش شده و وعده آتش دوزخ داده شده‌است «من فسر *القرآن* برأیه فلیتوبوا مقعده من النار» (فیض کاشانی، *الصفافی*، ۱ / ۳۵).

نکته دوم این است که دیدگاه تفسیری اخیر مبنی بر این‌که مراد از نور رب، نور ساق پروردگار است، علاوه بر اشکال یادشده، اشکال دیگری نیز بر آن، وارد است و آن این‌که این تفسیر، به نوعی گرایش به تجسیم و تشبیه درباره خداوند متعال است که از این اوصاف بشری منزّه است و در تفسیر آیات *قرآن* که درباره اوصاف الهی است باید نهایت دقت صورت گیرد که از تشبیه اوصاف الهی به اوصاف بشری اجتناب شود.

۴-۳) دیدگاه برگزیده: تجلی باطن اعمال و اشیاء

از میان دیدگاه‌های تفسیری مطرح‌شده، به نظر می‌رسد دیدگاه تجلی حقیقت و باطن اعمال و اشیاء در روز قیامت، با قرائن و شواهد قرآنی بیش‌تری همراه است. این دیدگاه را کاشانی (تأویلات، ۳/ ۵۶۲) به‌عنوان یکی از احتمالات مطرح کرده‌است. این دیدگاه، حکایت از ظهور و بروز حقیقت اشیاء و اعمال انسان دارد؛ به این معنا که در آن روز بزرگ، تمامی مخلوقات الهی، اعمال خود را که در این دنیای مادی پنهان مانده یا به فراموشی سپرده شده، حاضر می‌بینند و به واسطه این نور، باطن و حقیقت اعمال تجسم یافته و آشکار می‌گردد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های روز قیامت، کنار رفتن پرده‌ها و آشکار شدن حقیقت اعمال است.

مشاهده اعمال در آن روز به واسطه نور ربّ، حکایت از آشکارشدن حقیقت و باطن اعمال و تجسم آنها دارد که در دنیا از دیدگان پنهان است و آنچه در این دنیا دیده می‌شود، ظاهر اعمال انسان‌ها است که ملاک داوری قرار می‌گیرد، اما باطن و نیت و حقیقت اعمال، پنهان می‌ماند و تنها در این روز عظیم به واسطه نور الهی، تجسم یافته و مشاهده می‌گردد.

از جمله مؤیدات تفسیر یادشده در بیان مراد از روشن‌شدن زمین به نور ربّ در روز قیامت، سیاق جملات آیه ۶۹ سوره زمر است که محل بحث است «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» خداوند پس از عبارت موردبحث، به قراردادن کتاب و آمدن پیامبران و شهدا اشاره کرده‌است. با توجه به مضمون این آیه، می‌توان به نتایج ذیل دست یافت: همه این عبارات به نوعی، منظور خداوند از عبارت مذکور را تبیین می‌کند و ما را به غرض خداوند نزدیک می‌گرداند.

از سویی در همه این عبارات از نشانه‌های ظهور قیامت سخن گفته می‌شود. بنابراین عبارت «بِنُورِ رَبِّهَا» نیز می‌تواند یکی از این نشانه‌ها باشد یا کلامی باشد که عطف به جملات بعدی شده و عبارات بعدی برای توضیح و شرح آن آمده‌است و جان کلام و غرض نهایی خداوند از کل آیات این سوره، در همین عبارت نهفته است. از سوی دیگر شرط به فعلیت رسیدن عبارات «وَضِعَ الْكِتَابِ»، «وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ»، «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ»، تقدّم تحقق عبارت قرآنی «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» است. از همین رو با در نظر گرفتن نکات یادشده، و با توجه

به سیاق جملات آیه محل بحث، می توان ظهور کنار رفتن پرده ها و آشکار شدن حقایق اعمال و اشیاء را در روز قیامت به دست آورد.

علاوه بر سیاق جملات آیه ۶۹ سوره زمر، سیاق آیات قبل و بعد از آیه مورد نظر در سوره زمر نیز می تواند قرینه ای برای دیدگاه تفسیری یادشده باشد. سیاق این آیات، درباره حقایق روز قیامت است و از جمله این حقایق، آشکار شدن باطن و حقیقت اشیاء و اعمال انسان ها است. در آیه قبل از آیه محل بحث (زمر/ ۶۸) درباره نفع صور اول و دوم در قیامت و بعد از آن، قیام انسان ها برای مشاهده اعمال «فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ» سخن به میان آمده، که این معنا با تجلی حقیقت و باطن اعمال و اشیاء در روز قیامت، بیش تر سازگار است.

درواقع قیام انسان ها برای مشاهده اعمال در آیه ۶۸ سوره زمر، مقدمه ای است برای بیان مطلب کلی تر و جامع تر در آیه محل بحث که عبارت است از روشن شدن تمامی حقایق در روز قیامت با اشراق و روشن شدن زمین محشر به نور پروردگار. هم چنین در آیه بعد از آیه محل بحث نیز، خداوند اشاره به این مطلب دارد که به هر کسی، هر آنچه را انجام داده، به طور کامل داده می شود و چیزی از اعمال او کم نمی شود «وُؤْفِيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ» (زمر/ ۷۰). درواقع این آیه نتیجه مطلب مطرح شده در آیه قبلی را بیان می کند؛ به این معنا که بعد از تجلی حقیقت و باطن اعمال و اشیاء و آشکار شدن همه چیز در قیامت، نوبت به پاداش و مجازات الهی در قبال اعمال انسان ها، آن هم به تمام و کمال می رسد و این که حکم خداوند بر اساس عدالت اجرا می گردد.

شاید بتوان با استفاده از عبارت «وُؤْفِيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ» (زمر/ ۷۰) چنین استفاده نمود که آیه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» امر مهمی را که مقصود اصلی خداوند است، یادآوری می کند و بخش بعدی آیه ۶۹ سوره زمر به توضیح جزئیات این امر خطیر می پردازد و در ادامه، نتیجه حاصل در آیه ۷۰ بیان می شود. بنابراین به نظر می رسد با توجه به قرائن موجود، تفسیر عبارت «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» به معنای کناررفتن حجاب ها و آشکار شدن حقیقت اشیاء و اعمال مناسب تر باشد.

از آیات دیگر قرآن هم می تواند قرائن و مؤیداتی برای این دیدگاه بازجست. از جمله قرائن و

شواهد تفسیر یادشده، علاوه بر سیاق جملات آیه ۶۹ و هم‌چنین سیاق آیات سوره زمر، قرائن موجود در آیات سوره‌های دیگر قرآن است. در جایی از قرآن گفته می‌شود: «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ» (ق/۲۲). در جای دیگر نیز می‌خوانیم: «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ» (آل عمران/۳۰). در جای دیگر نیز آمده است: «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا يَوْمَئِذٍ يُصْدِرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال/۴-۸). این آیات و نمونه‌های فراوان دیگر بر تجسم و ظهور اعمال انسان در قیامت و شهادت اعضای بدن آدمیان و امثال آن دلالت دارد.

علاوه‌براین، با توجه به معنای کلمه اشراق و نور، در عبارت یادشده، می‌توان ظهور و بروز حقیقت اعمال انسان‌ها، حقیقت اشیاء و باطن امور را برداشت نمود که این حقیقت، جز با کنار رفتن پرده‌ها که بر دیدگان انسان‌ها قرار دارد، امکان‌پذیر نیست. از همین رو با در نظر گرفتن قرائن، شواهد و مؤیدات یادشده، به نظر می‌رسد این دیدگاه، در بیان مراد الهی از اشراق زمین به نور پروردگار، به واقعیت نزدیک‌تر باشد؛ چنان‌که طباطبایی از مفسران شیعه نیز به این حقیقت اشاره کرده‌است (طباطبایی، المیزان، ۱۷/۲۹۴-۲۹۵).

نتیجه

این مطالعه به دنبال آن بود که دیدگاه‌های مفسران اهل سنت را در بیان مراد از اشراق و روشن شدن زمین، به واسطه نور رب، در آیه ۶۹ سوره زمر را تحلیل نموده و موردارزیابی قراردهد. از سوی مفسران یادشده، سه دیدگاه عمده تفسیری مشهور و چهار دیدگاه شاذ و غیرمشهور ارائه شده که صرفاً از سوی تعداد بسیار اندکی از این مفسران در تبیین مراد از روشن شدن زمین به نور پروردگار، ارائه گردیده‌است.

دیدگاه اول دلالت بر این معنا دارد که مراد از روشن شدن زمین، به نور پروردگار، تجلی خداوند در روز قیامت برای داوری بین مردم به عدالت و حق و برهان است. مفسران بسیار زیادی این دیدگاه را مطرح کرده‌اند. از سوی مفسران یادشده، مراد از این تجلی، به صورت روشن بیان نشده و در نتیجه ابهام آیه و عبارت یادشده برطرف نشده‌است. از سویی برخی از

این مفسران سخن از نزول پروردگار بر کرسی برای داوری میان مردم، به میان آورده‌اند که حاکی از تجسیم و تشبیه پروردگار است، در حالی که خداوند طبق نظر امامیه و معتزله قابل تجسیم و تشبیه نیست و رؤیت خداوند متعال در این دنیا غیر ممکن بوده و در آخرت، مراد از آن، همان خرسندی خداوند از بندگان بهشتی‌اش است.

از سوی دیگر این معنا «تَجَلَّىٰ خدَاوَنَد بَرَاي دَاوَرِي» از اشراق زمین به نور رب، اشاره به مفهوم بخش دیگری از آیه «وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ» است، در حالی که تفسیر یک بخش از آیه، به مفهوم بخش دیگر آن، درست به نظر نمی‌رسد. هم‌چنین در قرآن آیاتی که در آن نور هم‌چون استعاره برای برهان آمده‌باشد وجود ندارد. از سوی دیگر کلمه حق و عدل، گرچه در برخی موارد، يك مصداق پیدا می‌کنند، اما دو مفهوم مستقل و مغایر باهم هستند و صرف این که نور در آیه‌ای از قرآن، استعاره برای حق آمده‌باشد، مستلزم آن نیست که مقصود از آن عدالت باشد. هم‌چنین استعمال کلمه نور، برای برهان در قرآن غیر متعارف است. دیدگاه دوم یعنی روشن شدن زمین به نوری غیر از نور خورشید و ماه در قیامت صرفاً به بیان معنای تحت‌اللفظی از عبارت آیه ۶۹ سوره زمر بسنده کرده و در نتیجه هم‌چنان معنای آیه یادشده با ابهام همراه است. دیدگاه سوم «تَجَلَّىٰ حَقِيقَت و بَاطِن اَعْمَال دَر رُوْز قِيَامَت» است.

علاوه بر این سه دیدگاه که اکثر مفسران اهل سنت مطرح کرده‌اند، چهار دیدگاه نیز در تفاسیر اهل سنت مشاهده می‌شود که افراد نادر از این مفسران مطرح کرده‌اند، مانند نور قدرت پروردگار، نور قلب‌های مؤمنان، نور توحید پیامبر اعظم (ص)، نورانی شدن زمین نفس انسان به نور پروردگار و نور ساق پروردگار. این دیدگاه‌های تفسیری، حمل لفظ بر خلاف ظاهر است که قرینه و شاهدهی بر آن ارائه نشده و چه بسا تفسیر به رأی باشد. از سویی، برخی از این دیدگاه‌ها مانند دیدگاه اخیر، حاکی از تجسیم و تشبیه خداوند به مخلوقات است که ذات اقدس الهی از آن، مبرا است.

از میان دیدگاه‌های قیدشده، به نظر می‌رسد دیدگاه سوم (تَجَلَّىٰ حَقِيقَت و بَاطِن اَعْمَال انسان دَر قِيَامَت)، با در نظر گرفتن سیاق جملات آیه ۶۹ سوره زمر، سیاق آیات سوره زمر که درباره حقایق روز قیامت سخن می‌گوید و از جمله حقایق این روز، آشکار شدن باطن و حقیقت

اشیاء و اعمال انسان‌ها است و همین طور با در نظر گرفتن قرینه آیات دیگر قرآن — مانند آیه ۲۲ سوره ق، ۳۰ سوره آل عمران و آیات ۴ تا ۸ سوره زلزال و آیات زیاد دیگر قرآن که دلالت بر تجسم و ظهور اعمال انسان در قیامت و شهادت اعضای بدن آدمیان و امثال آن دارد — در بیان مراد الهی از اشراق زمین به واسطه نور رب، به واقعیت نزدیک‌تر باشد.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۳- ابن عبدالسلام، عبدالعزیز، *التفسیر*، به کوشش احمد فتحی عبدالرحمان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۹ق.
- ۴- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۵- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر.
- ۷- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان*، به کوشش محمدمهدی ناصح، محمدمجعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- ۸- اسعدی سامانی، زهرا، *مفهوم‌شناسی نور و ظلمت از دیدگاه قرآن*، تهران، سرای فرهنگ و ادب، ۱۳۹۹ش.
- ۹- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۱۰- براتی، مرتضی، «بررسی استعاره مفهومی نور در قرآن کریم با روی‌کرد شناختی»، *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی*، شماره ۲۳، بهار ۱۳۹۵ش.
- ۱۱- بغوی، حسین بن مسعود، *معالم التنزیل*، به کوشش عبدالرزاق مهدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۱۲- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *انوار التنزیل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ۱۳- تستری، سهل بن عبدالله، *التفسیر*، به کوشش محمد باسل عیون سوده، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۳ق.
- ۱۴- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، *الکشف و البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۱۵- حداد، ابوبکر بن علی، *التفسیر*، إربد، دارالکتاب الثقافی، ۲۰۰۸م.
- ۱۶- حقی، اسماعیل بن مصطفی، *روح البیان*، لبنان، دارالفکر، ۲۰۰۳م.
- ۱۷- حوری، سعید، *الاساس فی التفسیر*، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۴ق.

- ۱۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
- ۱۹- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربیه، ۱۴۰۷ق.
- ۲۰- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ۲۱- شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، به کوشش احمد حبیب قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۴م.
- ۲۲- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، *مفاتیح الغیب*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- ۲۳- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان*، تهران، اسلامیه.
- ۲۴- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- ۲۵- طریحی، فخرالدین بن محمدعلی، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- ۲۶- عباسپور، عمران، *مبانی تفسیر عرفانی از دیدگاه رشیدالدین میبدی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶ش.
- ۲۷- عبدالباقی، محمدفؤاد، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴ق.
- ۲۸- فتح‌اللهی، علی و بغدادی، اکرم، «مفهوم نور در قرآن، برهان و عرفان»، *تفسیر متون و حیاتی*، سال اول، شماره یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۶ش.
- ۲۹- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۳۰- فیض کاشانی، ملا محسن، *الصفافی*، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۲ق.
- ۳۱- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، طنطا، دارالصحابه للتراث، ۱۴۱۶ق.
- ۳۲- قشیری، عبدالکریم بن هوازن، *لطایف الاشارات*، به کوشش ابراهیم بسیونی، قاهره، هیئة المصریة العامة للکتاب، ۲۰۰۰م.
- ۳۳- کاشانی، عبدالرزاق، *تأویلات*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۳۴- ماوردی، علی بن محمد، *النکت والعیون*، به کوشش ابن عبدالمقصود عبدالرحیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.

- ۳۵- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- ۳۶- مقاتل بن سلیمان، *التفسیر*، به کوشش عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
- ۳۷- مقدادیان، عادل و شمس، محمدجواد، «مفهوم عرفانی نور و ظل در قران»، *پژوهشنامه عرفان*، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۵ ش.
- ۳۸- میدی، علی بن محمد، *کشف الاسرار*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
- ۳۹- واحدی، علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۵ ق.
- ۴۰- واعظی، محمود، «بازخوانی مفهوم نور در قرآن کریم»، *آموزه‌های قرآنی*، دوره هفدهم، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹ ش.
- ۴۱- یوسف‌پور، معصومه و پروین، جلیل، «مفهوم‌شناسی نور خداوند با تکیه بر روایات تفسیری فریقین»، *حدیث و اندیشه*، شماره ۱۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.

Bibliography

- 1_ The Holy *Qur'an*.
- 2_ Abbāspūr, 'Emrān, *The Foundations of Mystical Exegesis from the Perspective of Rashīd al-Dīn Maybudī*, Master's Thesis in Qur'anic and Hadith Sciences, Imam Khomeini Institute, 1386 SAH [Persian].
- 3_ 'Abd al-Bāqī, Muḥammad Fu'ād, *Al-Muḥjam al-Mufabbras li-alfāz al-Qur'an al-Karīm*, Cairo, Dār al-Kutub al-Miṣriyya, 1364 AH [Arabic].
- 4_ Abul-Futūḥ Rāzī, Ḥusayn b. 'Alī, *Rawḍ al-Jinān wa Rawḥ al-Janān*, Mashhad, Āstān-e Qods-e Razawī, 1408 AH [Arabic].
- 5_ Al-Ālūsī, Maḥmūd b. 'Abdullāh, *Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafṣīr al-Qur'an al-Aẓīm*, Beirut, Dār al-Kutub al-Īlmīyya, 1415 AH [Arabic].
- 6_ Al-Baghawī, Ḥusayn b. Mas'ūd, *Ma'ālim al-Tanzīl*, Beirut, Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1420 AH [Arabic].
- 7_ Al-Fayḍ al-Kāshānī, Muḥammad b. Murtaḍā, *Al-Tafṣīr al-Ṣāfi*, Tehrān, Ṣadr Book Store, 1402 AH [Arabic].
- 8_ Al-Haddād, Abū Bakr b. 'Alī, *Al-Tafṣīr al-Kabīr*, Irbīd, Dār al-Kitāb al-Thaqāfi, 2008 [Arabic].
- 9_ Al-Ḥūrī, Sa'īd, *Al-'Asās fī al-Tafṣīr*, Cairo, Dār al-Salām, 1424 AH [Arabic].
- 10_ Al-Māwardī, 'Alī b. Muḥammad, *Al-Nukat wa al-Uyūn*, Beirut, Dār al-Kutub al-Īlmīyya, 1412 AH [Arabic].
- 11_ Al-Qurṭubī, Muḥammad b. Aḥmad, *Al-Jāmi' li-Aḥkām al-Qur'an*, Tehran, Nāsher Khosrow Publishing House, 1416 AH [Arabic].
- 12_ Al-Qushayrī, 'Abdulkarīm b. Hawāzin, *Laṭā'if al-Isbārāt*, Cairo, al-Hay'a al-Miṣriyya al-'Āmma li-al-Kitāb, 2000 [Arabic].
- 13_ Al-Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Mufradāt 'Alfāz al-Qur'an*, Beirut, Al-Dār al-Shāmiyya, 1412 AH [Arabic].
- 14_ Al-Shaykh al-Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Tibyān fī Tafṣīr al-Qur'an*, Beirut, Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, nd [Arabic].
- 15_ Al-Suyūṭī, 'Abd al-Raḥmān b. Abī Bakr, *Al-Durr al-Mantḥūr fī al-Tafṣīr bi-al-Ma'tḥūr*, Qom, Mar'ashī Library, 1404 AH [Arabic].
- 16_ Al-Ṭabarī, Muḥammad b. Jarīr, *Jāmi' al-Bayān*, Beirut, Dār al-Ma'rifa,

- 1412 AH [Arabic].
- 17- Al-Thaʿlabī, Aḥmad b. Ibrāhīm, *Al-Kashf wa al-Bayān*, Beirut, Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 1422 AH [Arabic].
 - 18- Al-Ṭurayḥī, Fakhr al-Dīn b. Muḥammad ʿAlī, *Majmaʿ al-Baḥrayn*, Tehran, Mortazavi Book Store, 1375 SAH [Arabic].
 - 19- Al-Tustarī, Sahl b. ʿAbdullāh, *Al-Tafsīr*, Beirut, Dār al-Kutub al-ʿIlmīyya, 1423 AH [Arabic].
 - 20- Al-Wāḥidī, ʿAlī b. Aḥmad, *Al-Wajīz*, Beirut, Dār al-Qalam, 1415 AH [Arabic].
 - 21- Al-Zamakhsharī, Mahmūd b. ʿUmar, *Al-Kashshāf*, Beirut, Dār al-Kitāb al-ʿArabī, 1407 AH [Arabic].
 - 22- Asʿadī Sāmānī, Zahrā, *Conceptualization of Light and Darkness from the Perspective of the Qurʾān*, Tehran, Sarāy-e Farhang va Adab, 1399 SAH [Persian].
 - 23- Barātī, Mortezā, “An Examination of the Conceptual Metaphor of Light in the Holy *Qurʾān* with a Cognitive Approach”, *Literary Criticism and Stylistics Research*, vol. 23, 1395 SAH [Persian].
 - 24- Bayḍawī, ʿAbdullah b. ʿUmar, *Anwār al-Tanzīl wa Asrār al-Taʾwīl*, Beirut, Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 1418 AH [Arabic].
 - 25- Fakhr al-Dīn al-Rāzī, Muḥammad b. ʿUmar, *Al-Tafsīr al-Kabīr*, Beirut, Dār al-Kutub al-ʿIlmīyya, 1420 AH [Arabic].
 - 26- Fathollāhī, ʿAlī and Baghdādī, Akram, “The Concept of Light in the *Qurʾān*, Theological Reasoning and Mysticism”, *Interpretation of Divine Texts*, vol.1, issue 1, 1396 SAH [Persian].
 - 27- Ḥaqqī, Ismāʿīl b. Muṣṭafā, *Ruḥ al-Bayān fī Tafsīr al-Qurʾān*, Beirut, Dār al-Fikr, 2003 [Arabic].
 - 28- Ibn ʿAbd al-Salām, ʿAbd al-ʿAzīz, *Al-Tafsīr*, Beirut, Dār al-Kutub al-ʿIlmīyya, 1429 AH [Arabic].
 - 29- Ibn ʿĀshūr, Muḥammad b. Ṭāhir, *Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr*, Beirut, Arabic History Foundation, 1420 AH [Arabic].
 - 30- Ibn ʿAṭīyya, ʿAbd al-Ḥaqq b. Ghālib, *Al-Muḥarrar al-Wajīz*, Beirut, Dār al-Kutub al-ʿIlmīyya, 1422 AH [Arabic].

- 31- Ibn Kathīr, Ismā'īl b. 'Umar, *Tafsīr al-Qur'ān al-'Azīm*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmīyya, 1419 AH [Arabic].
- 32- Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram, *Lisān al-'Arab*, Beirut, Dār Ṣādir, nd [Arabic].
- 33- Kāshānī, 'Abd al-Razzāq, *Ta'wīlāt*, Beirut, Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1422 AH [Arabic].
- 34- Maybudī, Aḥmad b. Muḥammad, *Kashf al-Asrār wa 'Udda al-Abrār*, Tehrān, Amīrkabīr Publications, 1371 SAH [Arabic].
- 35- Meqdādiyan, 'Adel and Shams, Moḥammad Javād, "The Mystical Concept of Light and Shadow in the *Qur'ān*", *Journal of Mysticism*, vol. 14, 1395 SAH [Persian].
- 36- Muqātil b. Sulaymān, *Al-Tafsīr*, Beirut, Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī, 1423 AH [Arabic].
- 37- Muṣṭafawī, Ḥasan, *Scientific Method in Translation and Interpretation of the Holy Qur'ān and Hadiths*, Tehran, Publishing Center of Allameh Mustafawi's Works, 1368 SAH [Persian].
- 38- Ṣadr al-Dīn Al-Shīrāzī, Muḥammad b. Ibrāhīm, *Mafātīḥ al-Ghayb*, Tehrān, Institute for Cultural Studies and Research, 1363 SAH [Arabic].
- 39- Ṭabāṭabāyī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn, *Al-Mizān*, Tehran, Islāmīyya, nd [Arabic].
- 40- Vā'eẓī, Maḥmūd, "Re-examination of the Concept of Light in the Holy *Qur'ān*", *Qur'ānic Teachings*, vol. 17, issue 32, winter 1399 SAH [Persian].
- 41- Yūsefpūr, Ma'sūme and Parvīn, Jalīl, "Conceptualization of God's Light with Emphasis on Interpretative Narrations of Both Sects", *Hadith and Thought*, issue 18, 1393 SAH [Persian].